





جعفر ۳۴ - ژوئیه ۱۹۷۳

نگارش خبر نگار اداره:

**کُر فتار پنجہ عدالت:**

پرستار بیمارستان - دارو فروش مشهد - یک مأمور خطر ناک!



در سال ۱۲۶۶ یعنی درست ۵۵ سال پیش در یکی از محلات تبریز

مادری گفتم کود کی بدنی ۱۳ مساله کاشت، ابر و بادوم خوش بشید  
نی بدر و مادر، آموزگار و استاد و بالاخره معیط نندگی ابراز  
دندنستایی از شیرخوار کی بکوکد کی واژکوک کی بیوانی و بالآخر سله  
ست هیچکس متی خودنم مرا نجات خود را مینتوانست پیش نیست کند

۱۱ سال پیش در پیمارستان احمدی تهران که بعدها بیمارستان سینه دید. جوانی از پیماران برستاری مبکرده، کار و طرز عمل پر شکنان از آن‌ها چیز باد میکرفت و فزیر دستستان کار مبکرده. سر و کار

برای این منظمه متمدد در شاهه روز اهیت واقعی پیش روی دیده در نظر نداشت  
پسندیداران و پسچه در ددمدان برایش عادی شد کسی که در ابتدا موافق فرو  
ناله و پسچه در ددمدان برایش عادی شد کسی که در ابتدا موافق فرو  
آمیزیل سرش را بر میگرداد هنکام اقدام بستخت ترین عمل ها قبل  
از دیگر حاضر امیشود با کمال خونسردی مانع دست و پیازد نیمسارمیدش...

در یکی از خیابانهای شالی مشهد داروخانه کوچکی بود مردمان بی چیز نوانانی رفتن بند دارو فروشان عمدنه داشتند احتیاجات خود را از آنجا خریدند. که نیاز است دارد سازن. دا از کجا ته صبا کرده مسکونی داد

و سی نماینده است دارو سازی را از همه محصولات تردد می خواهند از  
ده و همین برای معرفی او کافی بود و پسون میگفت در یکی از میاران - ان  
سر کر هم بوده ام کاهگل‌کاری بیزاران معلوم العالی که بیوسته در جستجوی

از میباشد یا مراعبه میکردن دستور میگرفتند و میرفتند.  
اروگروش و بازشکی بجاز آنهم درمشهد کار مهم نیست او حواستان

و سودمندتری بود و بالاخره بمدعاً جوینده یانده است در سال  
برست معلوم نزت بمعرفی کی وارد یکی از ادارات مهم کر شده  
(۱) بیان است. بظاهر همه میگفتند طبیع مخصوص آن اداره است  
که این کل آن اداره و شاید چند نفر مأمورین عالی رتبه دیگر کسی از

در نیاورد. ما ندیدیم شا هم ندیده اید ولی میکویند و مشهور  
ی شب و نصف شب اغلب درس خدمت حاضر میشند و با آمنولهای  
د. (آمیول آب داغ - آمیول هوا و غیره) بیماران را که احتیاج

دائمی داشتند راحت میکردند.  
هربیور ۱۳۲۰ بیش آمد اوضاع دکرگون شد چوب را که برداشتند  
زد فرار اختیار کردند ولی این کربه عابددربین النزهین بوسیله مقامات

ن دستگیر و بسیار مودین ایران تسلیم گردید.  
ر اینستون کوس رسوایش را در روزنامه ها زند و آهد رکنند و  
ورا درینچه قهار و منتم عدالت یعنی دیوان کیفر گردند. وی مردی

س بود کسی باور نیکرده و هنوز هم نیکند که مر تک چنین اعمالی یکی از همایاکش در خیابان ناصر خسرو قسم میخورد روزی که شاهزاده کفتمه کش شامسلماه نستیده سدیمه هم داشته قهقهه اشاره داشته

للهذه نعمت مكره سماسمغان پیشیده این میدم چنان دراین موقع از این راه زلزله و قرآن در آن بود نموده کفت: در قیامت جواب خداونجه میده! پیشنه تسبیح در دوست داشت و بیوسته وردی ذیر ل زمزمه میکرد و

لین شخص پزشک مجاز احمدی معروف طبیب مخصوص زندان همان اوراد را زمزمه میکند. آیا امیدا ید این شخص کیست؟

است! که فعلاً جامعه در انتظار نتیجه کار او در دیوان شد. امیرانی

مکاره شده بود نامبرده تحت تعقیب قرار گرفت » در این وقایع هم زمینه سازی برای معرف مکاره تلفونی را دیدند

باز داشت او از طرف آقای مختار بعمل آمد و بدون اینکه معلوم شود که تلفن کشید، بر سر میگذاشت و میگفت: «لطفاً مرا بازگردانید».

کننده چه کسی بوده و موضوع مکالمه چه بوده است اورا بازداشت کرده است در صورتیکه در پرونده منعکس است که مذکور تدقیق و باز داشت مدد مجلس قرارداد «تلگراف» در پرونده شکوایه آقای

بهمین نحو اندام شده یعنی  
گزارش تلفونخانه بنی بر  
آقای یهودی ایالتلتون سفارت  
ت کرده مشارکه ایا بازداشت

وگزارش مستقیمی باین عبارت  
از ۲۶ ماه جاری نیز ساعت  
نیز در فرج الله بهرامی واقع در

ساده و ساده حکم گیر آنان در حدود مواد  
نامبرده و رعایت ماده ۲ ملحقة پالین داد  
دست کشیده، مشود و  
پایان.

من باب تحصیل مدرک بوده که این دفعات  
غیر موجه و بدون دليل است و طبق  
حکایت بروندہ امر غنّا تاریخ سنن کفر ارشاد  
نادری فخرخی را برخلاف مصالح کشور  
جلوه داده و اظهار قیاده کرده است که  
بعالی بازداشت یا قیام باشد و اعلیحضرت  
شاموت شنیده اور اذرا خوب فرموده اند  
عمل متمم نسبت بایماد و  
قانون گیرخواهی است (بروندہ امر  
بکلاس ۳۰۰ در کاران ۱۲ ضمیمه بروندہ  
کفرخی آقای غنّا تاریخ سوچنده کفر ارشاد است).  
۴- مطابق محتويات برعلیه آقای  
همای که در اداره سیاسی برعلیه آقای  
رضرا فرقه و سکان او تنظیم شده است،  
تفقیب مشارالله دو فقره کفر ارشاد مورخ  
۱۹۶۲۵۱۸ فرماد رئیس ثلنگ تهران  
میباشد مشترک بر اینکه لفظ مشارالله از  
با شماره ۵۰۱۱ یعنی شماره لفظ سفارت  
الکسیس صعبت کرده که کفر ارشاد ها در  
بوشه ۲ بکلاس ۲۳ و ۴ با پیکانی  
است) و تحت عنوان شماره از این  
تاریخ ۲۰۱۰-۲۰۱۱ بازداشت  
شده بدمآر بحسب امر تلقنی اعلیحضرت  
بادشاه وقت بر شت تبعیه کرد یه ده  
هارا در امور اتفاقات ۲۰۱۰-۲۰۱۱ بازجویی  
که مستبد فرماد رئیس شاهزاده بازداشت  
شده است و اخیراً نی تصدیقی وی بوسیله  
وزارت دادگستری بیمه شور امدادی ملی  
اعلام کرده بفرمان رئیس جمهور اداره کفر ارشاد  
ها را در امور اتفاقات ۲۰۱۰-۲۰۱۱ بازجویی  
که مستبد فرماد رئیس شاهزاده بازداشت  
شده است و اخیراً نی تصدیقی وی بوسیله  
وزارت دادگستری بیمه شور امدادی ملی  
مطلع شود.  
کفر ارشاده مرتب فرستاده میشد تا  
یکروز سرتیپ بورنامه این داده بازداشت  
داشت هصری یا نایرانی اداره بیش من و  
بروندہ نشان اداره کنم کفر ارشاده های من  
در آن بوده کفر ارشاده رئیس این ذکر  
قدمه اظهار داشت آقای سریاس غنّا تاریخ  
از اینکه کفر ارشاده بطور کامل حلت کنترل  
بوده اوقافشان تلغی است اظهار کردند تا  
حدیکه مکن بود مرافت شده دستور  
ایشان اینجا شود گفت تغیر ما وسیله  
دیگری داشتم که معلوم میشود تلفون  
هایی سپارخانه کما شاه اظهار کرد  
اینطور نیست و حق کلمه تصور نیستم  
این آقایان تا این انداده بی تجزیه  
میشود و شکنندگان باید باشند و  
دیگری است که وسیله امت و شایان  
این کفر ارشاده را اصلاح کنند و حقیقت  
آنها کافشمارکدار نبود و باید این میر کر  
با تلفون آن حرف را بزندگی کنند خیرین  
طور است که کفایت شد اینجا شاه اظهار کرد  
که باید بجزی روی آن نوشته شده  
بود و حاکی بود از اینکه آقا با تلفون  
میشود و گفت این کفر ارشاده های  
دیگری است که وسیله امت و شایان  
این کفر ارشاده را عوام کردند و کلیه  
آنها را عوام کردند و کلیه  
یعنی نویسا را زیر گرفت.  
سرتیپ بور در بازجویی های ۵ در  
صفحات ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ از مشارالله  
یکجا صورت پیشنهاد و توصیب دارد...  
مصدر ویس کل شهربانی که تحت امر  
بنده نیست که من بیان اور این مأموریت  
های مختلفی بکارم این یک امر  
واسط و روشن و میرهن که اینچنان  
از اداره سرکاری و اداره کشاورزی  
تیسوار ریاست کل شهر بانی و یکی دو  
تفاوت دارد اینها بجهة شده فرستاده شده اند  
این برحسب اتفاق و تفصیل ریاست اداره  
کل شهر بانی و ادارات سر برده که پایور  
را نقل و انتقال کرده اند اینجا شده است  
بنده که چنین اختیاری نداشتم.  
دفع مختار خلاصه اینکه قیروز  
بیرون طبیعی خود کرد مشارالله داده و  
راجع بقیل او ندانده است با توجه بدلال  
فوق الامر کفر ای و قیروز بوسیله عیسی  
بختیاری و حسینقلی فرهی و فولادی به  
ماعتات قابلی بور و مقدادی و مختار رسیم  
و چون معلوم نیست با این اصلی قبول  
کدامیک از نهیون بوده اند طبق ماده  
دیوان کفر قانون مجازات غیری نیست  
بیسیان بختیاری و حسینقلی فرهی و فولادی  
در حدود مواد ۱۷۰ و ۲۷۰ همان قانون  
نسبت بسیار بین درخواست رسیدگی و محدود  
حکم مجازات یشود.

هیچ چیز نداریم . . . نش اور آکار دید  
تویی ساخت تخته آوردند شست تاریک  
بود و چراغ بیود گنتم چراغ بدیهی گفتند  
چراغ نداشیم گنتم پس همز آتش کنیم  
هیزم آودس آتش گردند از سوی آن  
آتش شده غسل دادم و لکن گردم . . .  
آزاری ندیدم . . . چون تاریک بود  
 فقط دست چسب نباشد و رفته مینه بود  
 هرچه خواستم دست را راست کنم راست  
 شدم باز ورم ورم کردند بود .  
 و در چوپان باز برس که سوال  
 کرده (سامیه و گویی در آن ندیدی)  
 گفته است تاریک بود من چشم نمیدیم.  
 استاد ابوالقاسم حمایه در صفحات  
 ۱۷۶ بیعده گفته . . . س روز قبل از  
 فوت فیروز رفتم اصلاح . . . حاش  
 خوب بود . . .  
 پیرکوه تقریباً دو ساعت بعد از  
 ظهر بود که غلیلی بور کارپیش داشت  
 با آشیز نصرت الدوله آمدند حسماً  
 غلیلی بور گفت هنا یاور هن کذاشته  
 و آن آشیز نصرت الدوله هم . . .  
 هنا کذاشته و خوابیدند . . . غلیلی  
 بور . . . در تمام مدتها که میسان بود  
 همین پیکدهمه هنا کذاشته . . . آن آشیز  
 هم هیشه هنا نمی کذاشته زود کارش را  
 میگرد و میرفت .  
 محمد گناهه فیروز در صفحات  
 ۱۱ بیعده گفته . . . روزی ابوطالب  
 بیدون رفت و دیگر نیامد و متفشین  
 ایامی اش دا از ما گرفتند و دیگر  
 شد. ری از او رسیده بعد از این قضیه  
 مشتبهین دیگری از هرمان آمدند و گفتند  
 از طرف ویس نظمه ماموریت داریم  
 و فوراً شاهزاده ازا بالاخانه زیر زمین  
 همان خانه آوردند و در آن جا نزل  
 دادند یک روز مرخوم شاهزاده چاقوی  
 چیز خود را نم داده گفت اکر مرا  
 شلهه کردند و اگر تو سلامت بهتران رسانیدی  
 این چنانرا شاهزاده پسر من بدهد  
 بدید که در اواخر ماه رمضان بود مرا  
 غلیلی مفترش بضم ابرد و گفت باید هنا  
 پیکاری و بندی مرا در حمام نکذاشته  
 تا این که خبر آوردند که حمال شاهزاده  
 به خورده . . .  
 ابوطالب گناهه دیگر فیروزدر  
 صفحات ۱۶ بیعده گفته . . . فیولادی  
 گفت حالاً بر زمین شهر بانی . . . رفتم  
 شهر بانی غولهای این . . . بندی را لخت گرفت  
 اداره اطلاعات و خودرتا عمر فی کن.  
 حسیب الله خدیگر یا سپاهان در صفحه  
 ۵۲ بیعده گفته . . . بندی از آن مادرین  
 خودمان . . . بر سیمه شاکر اخبار دید  
 تهران و بیل از ایشکه میزل بر بوی بری  
 اداره اطلاعات و خودرتا عمر فی کن.  
 گفته است که کارش را ساخته است بعدم  
 گفت دکتری چیزی آمده است یا نه گفت  
 وقت مرده است آمده معینه گردد.  
 میدانم که نصرت الدوله مریض نبود.  
 حاجی یکنفر یا سپاهان سمنان در صفحه  
 ۶۸ گفته است . . . نصرت الدوله  
 حاش خوب بود .  
 ابراهیم یا سپاهان سمنان در صفحه  
 ۱۷۴ گفته است . . . فیروز حاش  
 خوب بود . . .  
 آقای امیر ابراهیمی نایابهند مجلس  
 شورای اسلامی که چنانه مرخوم نصرت الدوله  
 را در تهران سلطانیه نموده است در  
 صفحات ۱۳۴ بیعده گفته در حق بدن  
 نصرت الدوله خالیانی شفای مایل بسیار  
 دیده میشد و ناخنخی با و دست مایل  
 بسیار بود . . . از دماغش هم خون  
 می آمد .  
 ۱۰ - اظهارات آقای ابوالفتح  
 دولتشایه بیز که روز قتل فیروز در زمان  
 تهران و بر روی اطاق خانه زندانی بود  
 حاکمی است از ایشکه مختار در آن روز  
 تلفیق رشیت و صول خبر مرد فیروز بودند  
 در صفحات ۵ باز چونی یمیدو خصیت شهربانی  
 را توضیح داده که در شب قتل اتفاق  
 غیر عادی بوده و اظهار داشته (خانه تا  
 پاس از شب رفته در شهر بانی مانده و  
 تلفون های متعدد بتلک اغفاره و سایر نقاط  
 میگردد تا این آخره در حدود سو نم از  
 شب گذته که آمد و شد ها تعقیف یید  
 گرد و نده هم خسته شده وری تعقیف اید  
 دراز کیم درب کشید من باز و آقای  
 عز شاهنش وارد اطاق شد بایکالم و جد  
 و سوری یعنی گفت که نصرت الدوله را  
 گشتند و امراجراء شد )  
 ۱۱ - اظهارات عبداله مقدادی  
 که قسمت های مؤثر آن عیناً نقل میشود  
 در صفحات ۱۵۲ بیعده گفته . . . صبح

بیهقی از صفحه دوم

> بیهقی اداره اطلاعات در بروند  
شهر بانی غیر و بردیف ۸۷۵ پایانگانی است.

و دفاع آقای خنبار خلاصه این که این وجود بنوان اخاء داده شده بلکه پهمان قسم که در من میتوش تذکر داده شده است خارج مفارقه و غیره و دموارد طیباشد زیرا اولاً خدای اظهار داشته و جوهر مذکور را بنیامن آقای خنبار به مأموریت مور برداخته و نایاب آقای اختشام حسادیار جوهر غیر مترقبه شهر بانی توپیغ داده که کل هزار مسافر مسافران چه در مردم رک و چه در روایات که باطن خارج مفترغ نگاری ایاب و دنهاب و سینما و نثار و غیره پرداخت مشهد بیوچ لیست هایی که برای همین مظمر تقطیم و مرتبی در آخر هر ماهم بینظر بیاست کل شهر بانی میسردید اعضاء مشهد که بدین ترتیب برای برداخت و جوهر بور احتیاجی پس چندان کاره ریاست شهر بانی بوده.

بنابراین اول اینجا بسیار توضیحات خنبار و مقدادی وقت در تاریخ قبور اعتمادات مذهبی واضح است که این فقره و جوهر نوین الذکر بینوان امام و برای امام این مأموریت با موافقت و مستور آقای خنبار بوسیله مقدماتی بسیار نایبرد پرداخت گردیده.

۸ - اظهارات سر پیر مينا رئیس شهر بانی سستان که قسم های مؤثر آن ذیلاً نقل میشود.

در صفحات ۱۴ بیند گفتند حضرت اهل ترا میغواهد . . . ساعت ۱۱ بردن کنم رما املاق حضرت اجل اوارد املاق که شدم حضرت اجل رسیاس خناری توی اسلام رامدیفت موتفی مکن و اراد شدم ایشان متوجه شده و بر گشته آمدند بطرف من بنی کورید چندان تایه و بروی من استفاده و من را ورانداز کرد سر تا بایان را نگاه کرد و بیرون اینکو حرفی بزند پشت گردند و رفتهن بالای اطان و یک مکت مختصری گردید و بر گشته و غرمهوند کاری که داشتم این بود که ترا مأمور کردند امیر بوری از اشرف بندهای شاه را میدزند و بیمن ای آورند آنچه که میروی مراقب باش بینهای اشاره کردند و نظر از خواستن ای از آنجا بکیر فرموده نهاد و آدم بیرون چو مورمبه صدا کرگند و فرمودند صریت الدوله را فرسنده ام بستان یک بایور و چند نفر بازرس هم فرسنده ام آنچه که تو که آنها میروی مراقب باش ازدر و دیوار خانه که صریت الدوله است کسی تو نزد من و قرقی فرمی بیرون تجیب کرد که این دستور و مکن بود پیشنهام بکنند و تصور کرد حضرت اجل مفخر دیگر داشت از خواستن ای باشنده همیشه قیام و هشکل من معرف از اظهار آن شد زیرا موضوع بینه اهیتی داشت که شخص بینه را بخواهد.

بعد از خود فرموم نصرة الدوله شاهزاده اعدل رکنی فرمادار آنچاید روز در حضن صحبتی که می کردیم صفت خضرت الدوله بیان آمده گفت دیدی این رشیو بدر سوخته کار خود را کرد و متظلوش از دریشی بدر سوخته عقیلی بور بود . . . پس از موقی که سینف الله غولادی نیز نصرت الدوله مور دی نداود و مثل این است که منع هستم نهنه از رفتن آنها خودداری میکرد ... سینف الله غولادی که از تهران بگشت اورا از املاق بالا باطل های بایین انتقال دادند . . .

دند جواب بازیرس که سؤال کردند (وقتی در آخرين ملاقات او را دیديد اظهار کسالت نیکرده) جواب داده (خیر اظهار کسالت نیکرده ...).

۹- علی محمد موزنی غسال مرحوم صریت الدوله و استاد ابوالقاسم حمای سستان و مهد و ابوطالب گاشتکان غیزو و بیانات حبیب الله غدیری و حاجی یکو و ابراهیم یاسعیان های شهر بانی سستان و اظهارات آقای ابراهیم تایانده مجلس شورای ملی نیز مؤید قتل غیرزیبا شد که قصت های مؤثر اظهارات آنان حق میشود.

علی محمد موزنی در صفحات ۱۸۱ یکد گفته است. یکشب ساعت سه از شب رفته آمدنند عقب من که بی خانه آقای سیاست کاظم آقای . . . آن شخص مکن

## سالیون لایت

خطابخانه مردانه و زنانه توسعه چند دنیا  
متخصص اروپائی افتتاح شد - آدرس  
شیخان فردوسی گوشه خیابان شاهزاده  
۲-۱ ۱۶۶۱-۷

تحته های ترمولکس برای

ساختن تابلو پوش سقف آنلاین  
صاحب اسخانه های بازدید بارگاهسفاهی اتفاقی خود با خنثی ترمولکس  
بر زبانی متاز خود میگذرد شیخانبا استعمال این خنثی برای ساختن  
تابلو میزت آنرا بومهای پارچه داد  
باشد محل فروش تجارت خانه اشاره بان

شیخان خیام جب روز نامه اطلاعات ۴-۴

## آگهی هنافله

اداره بهداری ارشاد شش قلم دارو  
های ایرانی برش زیرا

۱ - فلوس فناوری ۱۵۰

۲ - کل پنهان اعلا ۳۰

۳ - عناب اعلا ۱۵

۴ - زوما ۵

۵ - تریپین اعلا ۵۰

۶ - پرسیا شان اعلا ۳۰

پلور مناچه خردباری مدینا

فروشند کان آخرين قیمت آنها

در براکت میور تا وزیر شنیده بازدید

مرداد ماه ۱۳۲۱ ساعت ۱۰ میام

پنجه در حد قیمت بیوان سبدیده بازدید

بهداری ارشاد تسلیم تا مخصوص

دروز موعد آزاد است شماره ۳۰۴۵

اداره بهداری ارشاد

۲-۳ ۱۶۶۲

۴ - ۱۵۹۴

۵ - ۲-۱

۶ - ۱۶۶۲

۷ - ۱۶۶۲

۸ - ۱۶۶۲

۹ - ۱۶۶۲

۱۰ - ۱۶۶۲

۱۱ - ۱۶۶۲

۱۲ - ۱۶۶۲

۱۳ - ۱۶۶۲

۱۴ - ۱۶۶۲

۱۵ - ۱۶۶۲

۱۶ - ۱۶۶۲

۱۷ - ۱۶۶۲

۱۸ - ۱۶۶۲

۱۹ - ۱۶۶۲

۲۰ - ۱۶۶۲

۲۱ - ۱۶۶۲

۲۲ - ۱۶۶۲

۲۳ - ۱۶۶۲

۲۴ - ۱۶۶۲

۲۵ - ۱۶۶۲

۲۶ - ۱۶۶۲

۲۷ - ۱۶۶۲

۲۸ - ۱۶۶۲

۲۹ - ۱۶۶۲

۳۰ - ۱۶۶۲

۳۱ - ۱۶۶۲

۳۲ - ۱۶۶۲

۳۳ - ۱۶۶۲

۳۴ - ۱۶۶۲

۳۵ - ۱۶۶۲

۳۶ - ۱۶۶۲

۳۷ - ۱۶۶۲

۳۸ - ۱۶۶۲

۳۹ - ۱۶۶۲

۴۰ - ۱۶۶۲

۴۱ - ۱۶۶۲

۴۲ - ۱۶۶۲

۴۳ - ۱۶۶۲

۴۴ - ۱۶۶۲

۴۵ - ۱۶۶۲

۴۶ - ۱۶۶۲

۴۷ - ۱۶۶۲

۴۸ - ۱۶۶۲

۴۹ - ۱۶۶۲

۵۰ - ۱۶۶۲

۵۱ - ۱۶۶۲

۵۲ - ۱۶۶۲

۵۳ - ۱۶۶۲

۵۴ - ۱۶۶۲

۵۵ - ۱۶۶۲

۵۶ - ۱۶۶۲

۵۷ - ۱۶۶۲

۵۸ - ۱۶۶۲

۵۹ - ۱۶۶۲

۶۰ - ۱۶۶۲

۶۱ - ۱۶۶۲

۶۲ - ۱۶۶۲

۶۳ - ۱۶۶۲

۶۴ - ۱۶۶۲

۶۵ - ۱۶۶۲

۶۶ - ۱۶۶۲

۶۷ - ۱۶۶۲

۶۸ - ۱۶۶۲

۶۹ - ۱۶۶۲

۷۰ - ۱۶۶۲

۷۱ - ۱۶۶۲

۷۲ - ۱۶۶۲

۷۳ - ۱۶۶۲

۷۴ - ۱۶۶۲

۷۵ - ۱۶۶۲

۷۶ - ۱۶۶۲

۷۷ - ۱۶۶۲

۷۸ - ۱۶۶۲

۷۹ - ۱۶۶۲

۸۰ - ۱۶۶۲

۸۱ - ۱۶۶۲

۸۲ - ۱۶۶۲

۸۳ - ۱۶۶۲

۸۴ - ۱۶۶۲

۸۵ - ۱۶۶۲

۸۶ - ۱۶۶۲

۸۷ - ۱۶۶۲

۸۸ - ۱۶۶۲

۸۹ - ۱۶۶۲

۹۰ - ۱۶۶۲

۹۱ - ۱۶۶۲

۹۲ - ۱۶۶۲

۹۳ - ۱۶۶۲

۹۴ - ۱۶۶۲

۹۵ - ۱۶۶۲

۹۶ - ۱۶۶۲

۹۷ - ۱۶۶۲

۹۸ - ۱۶۶۲

۹۹ - ۱۶۶۲

۱۰۰ - ۱۶۶۲

۱۰۱ - ۱۶۶۲

۱۰۲ - ۱۶۶۲

۱۰۳ - ۱۶۶۲

۱۰۴ - ۱۶۶۲

۱۰۵ - ۱۶۶۲

۱۰۶ - ۱۶۶۲

۱۰۷ - ۱۶۶۲

۱۰۸ - ۱۶۶۲

۱۰۹ - ۱۶۶۲

۱۱۰ - ۱۶۶۲

۱۱۱ - ۱۶۶۲

۱۱۲ - ۱۶۶۲

۱۱۳ - ۱۶۶۲

۱۱۴ - ۱۶۶۲

۱۱۵ - ۱۶۶۲

۱۱۶ - ۱۶۶۲

۱۱۷ - ۱۶۶۲

۱۱۸ - ۱۶۶۲

۱۱۹ - ۱۶۶۲

۱۲۰ - ۱۶۶۲

۱۲۱ - ۱۶۶۲

۱۲۲ - ۱۶۶۲

۱۲۳ - ۱۶۶۲

۱۲۴ - ۱۶۶۲

۱۲۵ - ۱۶۶۲

۱۲۶ - ۱۶۶۲

۱۲۷ - ۱۶۶۲

۱۲۸ - ۱۶۶۲

۱۲۹ - ۱۶۶۲

۱۳۰ - ۱۶۶۲

۱۳۱ - ۱۶۶۲

۱۳۲ - ۱۶۶۲

۱۳۳ - ۱۶۶۲

۱۳۴ - ۱۶۶۲

۱۳۵ - ۱۶۶۲

۱۳۶ - ۱۶۶۲

۱۳۷ - ۱۶۶۲

۱۳۸ - ۱۶۶۲

۱۳۹ - ۱۶۶۲

۱۴۰ - ۱۶۶۲

۱۴۱ - ۱۶۶۲

۱۴۲ - ۱۶۶۲

۱۴۳ - ۱۶۶۲

۱۴۴ - ۱۶۶۲

۱۴۵ - ۱۶۶۲

۱۴۶ - ۱۶۶۲

۱۴۷ - ۱۶۶۲

۱۴۸ - ۱۶۶۲

۱۴۹ - ۱۶۶۲

۱۵۰ - ۱۶۶۲

۱۵۱ - ۱۶۶۲

۱۵۲ - ۱۶۶۲

۱۵۳ - ۱۶۶۲

۱۵۴ - ۱۶۶۲

۱۵۵ - ۱۶۶۲

۱۵۶ - ۱۶۶۲

۱۵۷ - ۱۶۶۲

۱۵۸ - ۱۶۶۲

۱۵۹ - ۱۶۶۲

۱۶۰ - ۱۶۶۲

۱۶۱ - ۱۶۶۲